

زمان های از دست دادن و خُسران



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مرقس ۵: ۲۲ تا ۲۴؛ ۳۵ تا ۴۳؛ اول پطرس ۵: ۶، ۷؛ پیدایش ۳۷: ۱۷ تا ۲۸؛ لوقا ۱۶: ۱۳؛ رومیان ۶: ۱۶؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۶.

آیه حفظی: « آری، علاوه بر این، همه چیز را به خاطر امتیازی بسیار ارزنده تر، یعنی شناخت عیسی مسیح، خداوند خود زیان می دانم. در واقع، من به خاطر او همه چیز را از دست داده ام و همه چیز را هیچ شمردم تا به این وسیله مسیح را به دست آورم » (فیلیپیان ۳: ۸).

لحظه ای که آدم و حوا از میوه درخت معرفت خوب و بد خوردند، آنان اولین خُسران خود تجربه کردند، آنان معصومیت خود را از دست دادند. و این از دست دادن معصومیت جای خود را به خودخواهی، تضاد، نکوهش، و خواهش برای کنترل و برتری بر یکدیگر داد. کوتاه مدتی پس از سقوط، آنان شاهد اولین از دست رفتن حیات بودند، زمانیکه به آنان پوست حیوانی داده شد تا عریانی خود را بپوشانند. با منع شدن از دسترسی به درخت حیات به خاطر اینکه مبادا بخورند و برای همیشه زنده بمانند، باعث شد تا خانه باغی عالی خود را در باغ عدن از دست بدهند، و سالها بعد پسرشان هابیل را نیز از دست دادند، آن هم بدست برادرش قابیل که توسط او کشته شد. در پایان یکی از آنان، همسرش را از دست داد، و در نهایت آن کسی که شریک زندگیش را از دست داده بود، زندگی خودش را از دست داد. بسیار از دست رفتن ها در اثر یک تصمیم اشتباه بوجود آمد.

بله، همه ما واقعیت را می دانیم، بیشتر ما درد از دست دادن را زمانی بطور عمیق احساس می کنیم که ضربه از دست دادن به خانواده ما می خورد. و شگفت آور نیست که، از دست دادن عضوی از خانواده یا اقوام یا دوستان، به ما ضربه سخت تری می زند.

در این هفته، با ادامه مشاهده زندگی در خانواده، به زمینه های مختلف از دست دادن در زمانهای مختلف نگاهی می اندازیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱ ماه ژوئن آماده شوید.

یکشنبه

۵ خرداد

از دست دادن سلامتی

ما هزاران سال از درخت حیات دور هستیم، و همه ما آن را احساس می کنیم، مخصوصاً زمانی که به سلامت جسمی ما باز می گردد. دیر یا زود، مگر اینکه ما در اثر حادثه ای در جوانی کشته شویم، همه ما با واقعیت ناگوار از دست دادن سلامتی روبرو می شویم. و همانطور، که از دست دادن سلامتی سخت است، چقدر دردناک تر است که زمانی یکی از اعضای خانواده ما با بیماری روبرو شود؟ چه تعدادی از والدین داریم، به ویژه آنها که با فرزندان مریض سر کار دارند، آرزو می کردند که ای کاش آنها به جای فرزندانشان بیمار بودند؟ متأسفانه، این حق انتخاب به ما داده نشده است.

این نقل قول ها چه چیزی در اشتراک دارند؟ مرقس ۵: ۲۲ تا ۲۴، ۳۵ تا ۴۳؛ متی ۱۵: ۲۲ تا ۲۸؛ لوقا ۴: ۳۸، ۳۹؛ یوحنا ۴: ۴۶ تا ۵۴.

در هر یک از این موارد، و بدون شک در بسیاری از موارد دیگر، یکی از اعضای خانواده برای اخذ کمک، نزد عیسی التماس کرده است.

بدون شک، تشخیص داده ایم که رنج ما بخاطر این است که در دنیای سقوط کرده زندگی می کنیم. هنگامی که گناه وارد دنیا شد، نه تنها مرگ، بلکه همچنین درد مزمن، بیماری، و مرض هم وارد شد. زمانی که با بیماری وخیم یا مزمن مواجه می شویم، ممکن است شوکه شده، خشمگین و عاجز شویم. و حتی ممکن است، احساس کنیم که می خواهیم فریاد بزنیم، که: «خدای من، خدای من! چرا مرا ترک کردی؟ چرا از من دور هستی و کمک نمی کنی و به فریادم نمی رسی؟» (مزامیر ۲۲: ۱). همچون داود، به خوبی می توانیم مسائل خود را در مورد خشم و درد به حضور خدا ببریم.

در بسیاری موارد، بیماری و رنج به عنوان یک راز باقی خواهند ماند تا اینکه مرگ در نهایت با بازگشت دوباره مسیح شکست بخورد. در عین حال، می توانیم حقایق مهمی را از کلام خداوند برداشت کنیم، زمانیکه ایوب متحمل درد غیر قابل وصفی می شود، با این حال او رابطه نزدیکی با خدا داشت. ایوب شرح می دهد، «از شنیدن گوش درباره تو شنیده بودم لیکن الآن چشم من تو را می بیند (ایوب ۴۲: ۵). پولس نوعی بیمار مزمن

داشت، و نحوه برخورد او با آن به ما می گوید که رنج و درد می تواند ما را مجهز کند تا مایه تسلی دیگران باشیم، می تواند به ما حس دلسوزی و مهربانی نسبت به دیگران که آسیب دیده اند را بدهد، و ما را قادر کند تا بطور موثر خدمت کنیم (دوم قرن تیان ۱: ۵ تا ۳)، اگر اجازه ندهیم که بیماری ما را بشکنند و درهم ریزد.

هر زمان که ما یا اعضای خانواده از بیماری رنج می بریم، چه وعده هایی را از کلام خدا می توانیم طلب کنیم؟ چرا، در چنین زمان هایی، این حقیقت در مورد مسیح، سرور ما، که بر روی صلیب رنج دید برای ما مهم است؟ او بر روی صلیب چه چیزی را در مورد عشق بی پایان خدا، حتی در زمان بیماری در میان خانواده ما، به ما یاد داد؟

۶ خرداد

دوشنبه

از دست دادن اعتماد

همه ما گناهکار هستیم، افراد ناکارآمدی که برخی اوقات خودمان ثابت می کنیم که نسبت کسی که به ما اعتماد کرده غیر قابل اعتماد هستیم. و چه کسی تا بحال قربانی بدعهدی اعتماد به دیگران نشده است؟ و چقدر سخت است وقتی چنین اعتمادی از بین می رود، و همیشه چقدر بدتر است وقتی ما بدعهدی می کنیم، یا یکی از اعضای خانواده به ما بی وفائی می کند.

بعضی وقتها به نظر می رسد، وقتی رابطه ای ارزش تلاش برای بازسازی دوباره ندارد، ساده تر است تا بیش از این ضرر نکنیم و قطع ارتباط کرده و از آن فرار کنیم. البته، چنین کاری در مورد یکی از اعضای خانواده، مثل همسر، آسان نیست. حتی ممکن است بگویید که یکی از اهداف ازدواج این است که به ما یاد می دهد تا اعتمادی که شکسته شده را بازسازی کنیم.

هنگامی که اعتماد در ارتباطات به خطر افتاده است، چگونه می توان اعتماد و رابطه را بهبود داد و آنرا حفظ کرد؟ اول پطرس ۵: ۷۰۶؛ اول یوحنا ۴: ۱۸؛ یعقوب ۵: ۱۶؛ متی ۶: ۱۴، ۱۵.

بازسازی اعتماد شکسته شده شبیه به یک سفر است؛ شما باید هر بار یک قدم بردارید. سفر با تصدیق آسیب و اعتراف به حقیقت شروع می شود، در هر مورد لغزش از سوی کسی که خیانت کرده است. هنگامیکه دلیل بی وفائی، نقض عهد بوده است، شفا و بهبود زمانی شروع می شود که بی وفا اعتراف کند. به عنوان بخشی از روند بهبود، اعتراف باید همراه با باز کردن کامل مسئله از طرف شخص ناقض عهد باشد. هیچ چیز

نباید پنهان بماند، وگرنه، زمانی بالاخره مسئله آشکار می‌شود، و اعتماد دوباره از بین خواهد رفت. و اگر برای دومین بار اعتماد شکست بخورد، بهبودی دوباره آن خیلی سخت‌تر از بار اول خواهد بود.

بازسازی دوباره اعتماد، زمان و صبر می‌طلبد. هر چه رنجش بزرگ‌تر باشد، زمان بیشتری طول می‌کشد تا بهبودی حاصل شود. باید این حقیقت را قبول کرد که گاهی اوقات به نظر می‌رسد شما احساس می‌کنید که اگر شما دو مرحله به جلو حرکت کرده‌اید، سه مرحله به عقب برگشته‌اید. یک روز به نظر می‌رسد امید وجود دارد، و روز دیگر شما به عقب رانده شده‌اید.

با این حال خیلی‌ها، قادر بوده‌اند که روابط شکسته خود را دوباره ترمیم کنند و عمق رابطه خود را عمیق‌تر، صمیمانه‌تر، و رضایت‌بخش‌تر، و به ازدواجی شادتر تبدیل کنند.

از چه اصولی میتوان برای التیام ازدواج استفاده کرد در هنگامی که اعتماد شکسته شده است؟ هم‌زمان، با وجود بخشش، زمانی که اعتماد وجود ندارد، شرایط چگونه خواهد بود؟

۷ خرداد

سه شنبه

از دست دادن اعتماد، ادامه می‌یابد

طریق دیگری که اعتماد را از بین می‌برد خشونت خانوادگی است. تحقیقات نشان داده است، خانه تنها مکانی در جامعه است که بیشترین خشونت در آن اتفاق می‌افتد. خشونت خانوادگی هر نوع خانواده‌ای را در بر می‌گیرد، از جمله خانواده مسیحیان. خشونت به تجاوز و حمله‌ای اطلاق می‌شود که در برگیرنده اقسامی همچون - کلامی، جسمی، احساسی، جنسی، ویا بی تفاوتی عمدی و غیر عمدی است - که توسط یک فرد یا بیشتر بر علیه طرف دیگر خانواده اعمال می‌شود.

کتاب مقدس به شرح حال خشونت خانوادگی، حتی در میان مردان خدا پرداخته است. هنگامی که این آیات را مطالعه می‌کنید چه حس و حالی به شما دست می‌دهد؟ در مورد اینکه چرا این داستان‌ها در کلام خدا محفوظ شده است چه فکری می‌کنید؟

پیدایش ۳۷: ۱۷ تا ۲۸

دوم سموئیل ۱۳: ۱ تا ۲۲

رفتار تجاوز گرایانه، یک انتخاب آگاهانه است که شخص قدرت و کنترل خود را بر روی شخص دیگری اعمال می کند. اعتیاد به الکل، فشارعصبی، و نیاز به امیال جنسی، نیاز به کنترل بهتر خشم، یا هر گونه سوء رفتار بر روی قربانی، قابل شرح و توجیه پذیر نیست. قربانی ها مسبب ستم ستمکار نیستند. ستم کار باعث انحراف و تحریف محبت می شود، چرا که «محبت ضرر نمی رساند» (رومیان ۱۳: ۱۰). درمان حرفه ای می تواند در فردی که سوء رفتار دارد تغییر تغییر ایجاد کند، اما فقط در صورتی که شخص بد رفتاری خود را پذیرفته و در پی دریافت کمک باشد. کسانی که حاضر باشند تا با خدا رو راست باشند، خداوند قادر خواهد بود تا به فرد بی نهایت کمک کند تا رفتار بد و سوء خود را متوقف و از آن روی گردان شده کرده و تا حد ممکن او را ترمیم نماید، و ویژگی های عشق الهی را برای التیام قلب های آن ها و برای محبت به دیگران ایجاد نماید (با افسسیان ۳: ۲۰ مقایسه شود).

سعی کنید خود را به جای کسی بگذارید که از خشونت آسیب دیده است. چه کلماتی در مورد بخشش، آرامش، و امید دوست دارید بشنوید؟ چرا بجای اندرز دادن در باره زندگی و مماشات با فرد مهاجم و بدررفتار باید مکانی امن برای مراقبت و نگهداری فراهم شود؟

۸ خرداد

چهارشنبه

از دست دادن آزادی

فقط خدا می داند که چند میلیون نفر، حتی چند میلیارد نفر از مردم درگیر نوعی اعتیاد هستند. امروزه، دانشمندان هنوز سبب و علت دقیق آن را نیافته اند، اگر چه در مواردی آنان می توانند بخشی از مغز را ببینند که خواسته ها و امیال در کجای آن قرار گرفته است. متأسفانه، با این وجود، یافتن بخشی از مغز که این اعتیادها در آن مکان جای گرفته، چیزی نیست که بتواند ما را از شر اعتیاد خلاص کند.

اعتیاد برای همه سخت است، و نه فقط برای شخصی که معتاد است. اعضای خانواده، پدر و مادر، همسر، فرزندان همه به شدت رنج می برند، هنگامی که یکی از اعضای خانواده در چنگال اعتیاد گرفتار است و نمی توانند از این وضعیت خود را رهایی بخشند. مواد مخدر، الکل، توتون، قمار، عکسها و یا نوشته های شهوت انگیز، رابطه جنسی، حتی غذا و هر چه که باعث تبدیل شدن از یک سرگرمی و عادت طبیعی به یک نوع

اعتیاد و از استفاده به سؤاستفاده باشد، اعتیاد است. شما قادر به متوقف کردن آن نمی باشید حتی اگر بدانید که به شما آسیب می رساند. هنگامی که از آزادی انتخاب بهره می برید، برده هر چیزی می شوید که معتاد آن شده اید، و در واقع شما آزادی خود را از دست می دهید. پطرس شرح ساده ای از آنچه که اعتیاد و نتایج آن است ارائه می دهد: « و ایشان را به آزادی وعده می دهند، و حال آنکه خود غلام فساد هستند، زیرا هر چیزی که بر کسی غلبه یافته باشد، او نیز غلام آن است» (دوم پطرس ۲: ۱۹).

چه چیز هایی می تواند مردم را بسوی اعتیاد بکشاند؟ لوقا ۱۶: ۱۳؛ رومیان ۶: ۱۶؛ یعقوب ۱: ۱۳ تا ۱۵؛ اول یوحنا ۲: ۱۶.

گناه و اعتیاد، لزوماً یکی نیستند. شما می توانید مرتکب گناهی شوید که اعتیاد نیست، گرچه اغلب می تواند تبدیل به اعتیاد شود. چقدر بهتر است، از طریق قدرت خداوند، از گناه کردن دست بردارید قبل از آنکه تبدیل به یک نوع اعتیاد شود. و البته، تنها راه حل دائمی مشکل گناه و اعتیاد داشتن قلبی نو(تولد تازه) است. « و آنانی که متعلق به مسیح عیسی هستند، طبیعت نفسانی را با هوسها و امیال آن مصلوب کرده اند» (غلاطیان ۵: ۲۴). پولس همچنین به رومی ها در مورد معنی مردن در گناه و سپس زندگی در مسیح توضیح می دهد، (رومیان ۶: ۱۳ تا ۸)، و سپس اضافه می کند، « خود را با عیسی مسیح خداوند مسلح سازید و دیگر در فکر ارضای خواهش های نفسانی خود نباشید» (رومیان ۱۳: ۱۴).

چه کسی شخصاً نمی داند که گرفتاری در اعتیاد چیست، چه خودش یا دیگران، حتی یکی از اعضای خانواده؟ چگونه می توانید به مردم کمک کنید که متوجه شوند که حتی بعنوان یک مسیحی، نیاز به کمک گرفتن از یک متخصص، [مانند یک مددکار اجتماعی یا روانشناس یا یک پزشک]، شکست روحانی محسوب نمی شود؟ (باید بخاطر داشت که طیبیان و پرستاران همکاران و دستیاران خدا هستند)

۹ خرداد

پنجشنبه

از دست دادن حیات

به عنوان انسان، ما از واقعیت مرگ آگاه هستیم. ما در باره آن خوانده ایم، آن را دیده ایم، و ممکن است حتی آنقدر به ما نزدیک شده باشد که متوجه آن شده باشیم.

اول قرتیان ۱۵: ۲۶ را مطالعه کنید. مرگ چگونه توضیح داده شده است، و چرا به این روش توضیح داده شده است؟

چه کسی، عزیزی را از دست داده، و تجربه نکرده باشد که مرگ چه دشمن بزرگی است؟ به عبارت دیگر، مرگ «خوب» است، اگر فرد چشمان خود را در آغوش خداوند ببندند، و برای وی دمی بنظر برسد، زمانی که برای ابدیت قیام کند. « برای فرد ایمان دار، مرگ موضوعی کوچک است... برای مسیحیان، مرگ همچون خواب است، لحظه ای سکوت و تاریکی.

زندگی با مسیح در خدا پنهان شده است و « هنگامی که مسیح، که حیات ماست ظاهر گردد، آنگاه شما نیز با او در جلال ظاهر خواهید شد ». الن جی وایت،
—Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 787.

نه، این زندگان هستند. به ویژه دوستان بازمانده یا اعضای خانواده، که درد و غم واقعی را بعد از مرگ عزیز خود تجربه می کنند. واقعیت این است که غم و اندوه واکنشی طبیعی نسبت به به از دست دادن یک عزیز است. این رنج احساسی و عاطفی است وقتی که چیزی یا کسی که ما او را دوست داریم از ما گرفته شده است. فرآیند عزاداری برای همگان یکسان نیست، اما به طور کلی بیشتر مردم از چندین مرحله گذر می کنند. اولین و رایج ترین واکنش به مرگ یکی از عزیزان شوک و انکار است، حتی زمانی که مرگ انتظار می رود. شوک احساسی از شما است که شما را محافظت می کند تا از ناراحت شدن ناگهانی بیش از حد در اثر از دست دادن محافظت شوید و ممکن است دو تا سه ماه ادامه یابد. همچنین ممکن است تا مدتی در طول کارهای روزانه، زمانی که مشغول به کار هستید افکارتان بطور مداوم مشغول عزیز از دست رفته باشد. اغلب گفتگوها خود به خود به موضوع عزیز از دست رفته شما بر می گردد. این دوره ممکن است از شش ماه تا یک سال ادامه یابد.

مرحله ناامیدی و افسردگی یک دوره طولانی بعد از عزاداری است، احتمالاً دردناک ترین و طولانی ترین مرحله برای عزادار است، که در طی آن شما به تدریج با واقعیت از دست دادن عزیز از دست رفته روبرو می شوید. در این مرحله ممکن است، یک سری احساسات مثل خشم، گناه، پشیمانی، غم، و ترس را تجربه کنید. هدف از عزاداری این نیست که همه درد و رنج و یا خاطرات خود از عزیز از دست داده را حذف کنید. و در مرحله آخر بهبود، دوباره به کارهای روزمره و عملکرد عادی روز به روز علاقمند شده و شروعی دیگر خواهید داشت.

در آیات زیر چه اندیشه هایی یافت می شود که به شما تسلی می دهد؟
رومیان ۸: ۳۱ تا ۳۹؛ مکاشفه ۲۱: ۴؛ اول قرتیان ۱۵: ۵۲ تا ۵۷.

تفکری فراتر: بسیاری بخاطر اعتیاد خود رنج می برند. آنان برده امیال خود شده اند و پول، شغل، سلامتی، و آزادی خود را دست داده اند. اما مسیح آمد تا ما را از قید گناه و تمام چیزهایی که به آن اعتیاد داشتیم آزاد کند، و «پس، اگر پسر، شما را آزاد کند، در واقع آزادید» (یوحنا ۸: ۳۶). همچنین مسیح وعده داد که همیشه با ما خواهد بود (متی ۲۸: ۲۰، اشعیا ۴۳: ۲)؛ بنابراین، ما مجبور نیستیم این جنگ را به تنهایی انجام دهیم. در واقع ما باید به یاد داشته باشیم که نبرد و کارزار را به خداوند بسپاریم (اول سموئیل ۱۷: ۴۷)، و او قول پیروزی داد (اول پطرس ۱۷: ۴۷). امروز شما می توانید در راه پیروزی بر علیه هر گونه اعتیاد گام بردارید و آزادی را که می خواهید و آنچه خدا برای شما می خواهد، دریافت کنید. این بدان معنا نیست که شما مبارزه نخواهید کرد، و این بدان معنا نیست که گاهی اوقات حتی شکست نخورید. اما خبر خوب این است که تا زمانی که از خداوند دست نکشید، او از شما دست نخواهد کشید شد. و آری، برای اخذ کمک از متخصصین هیچ مشکلی وجود ندارد. همانطور که خداوند می تواند از یک متخصص پزشکی برای کمک به شما در زمینه مشکلات سلامتی استفاده کند،

او همچنین می تواند از مشاور حرفه ای برای کمک به ترک اعتیاد شما نیز استفاده کند. « هنگامی که مشکلات و آزمون ها ما را احاطه کرده اند، ما باید از آنان به سوی خدا فرار کنیم و با اطمینان از او که قادر به نجات و قوی کردن ما برای عبور از سختی هست، انتظار کمک داشته باشیم. ما باید برکات خداوند را درخواست کنیم و آن را دریافت خواهیم کرد. دعا وظیفه و ضرورت است؛ اما آیا پرستش را نادیده باید بگیریم؟ آیا ما نباید بیشتر از کسی که همه این برکات را به ما داده تشکر کنیم؟ ما باید قدردانی کنیم. ما باید غالباً به رحمت خداوند احترام بگذاریم و نام مقدس او را با شکوه و با صدای بلند ستایش کنیم، و حتی زمانی که از غم و اندوه عبور می کنیم » الن جی وایت. —Ellen G. White, *Selected Messages*, book 2, p. 268.

سوالاتی برای بحث

۱. بخشش چه نقشی در از دست دادن اعتماد و بهبودی یک رابطه شکسته ایفا می کند؟ متی ۶: ۱۲ تا ۱۵؛ ۱۸: ۲۲، ۲۱ « محبت... تندمزاج و زود رنج نیست و کینه به دل نمی گیرد » (اول قرنتیان ۱۳: ۵).
۲. در حالی که از دوران غم و اندوه گذر می کنیم، مزیت تامل و برشمردن رحمت های خداوند چیست؟
۳. بطور کلی از چه راه های عملی، خانواده کلیسایی شما می تواند به کسانی که در حال تقلا با هر نوع از دست دادن هستند کمک کند؟



خدا نقشه های دیگری داشت

توسط اندرو مک چسنی

جو آنا کلیتون وقتیکه دبیرستان را به اتمام رساند، برنامه ای را برای دانشکده تدبیرکرد.

برای سال اول، او قصد داشت تا در یک کالج محلی در نزدیک خانه دریالت وست ویرجینیا واقع در ایالات متحده آمریکا قصد ثبت نام کند. از این طریق او می توانست کلاس های پایه ای را با شهریه کم بگیرد و با والدینش و سه خواهر جوانترش بماند. پس از آن، او قصد داشت تا به یک مدرسه ادونتیسست روز هفتم جهت تحصیل در رشته پرستاری برود.

اما برنامه در طی تابستان به هم خورد. او نتوانست راهی پیدا کند تا از خانه روستایی والدینش به کالج محلی برسد. جوآنا نتوانست گواهینامه رانندگی بگیرد زیرا والدینش، که بومی جامائیکا بودند، داشتند مدارک لازم جهت اقامت ایالات متحده آمریکا را آماده می کردند. والدینش نمی توانستند با ماشین او را به دانشکده رسانده و برگردانند و هیچ اتوبوس عمومی نزدیک خانه اش ایستگاه نداشت.

تنها یک ماه مانده قبل از شروع سال مدرسه، او هیچ جایی را برای تحصیل نداشت. سپس مادرش، سوزان، به خاطر آورد که یکی از دوستان خانوادگی در موسسه ویمر واقع در کالیفرنیا کار میکرد. جوآنا بلافاصله از طریق اینترنت شروع به جستجو کرد.

او به مادرش گفت: «نمی خواهم به کالیفرنیا بروم! خیلی دوراست». مادرش جواب داد: «تو حداقل باید در موردش فکر و دعا کنی». پس از آن روز، او دعا کرد. او گفت: «لطفاً مرا مجبور نکن به کالیفرنیا بروم. اگر قرار باشد به کالیفرنیا بروم، اجازه بده یکی از دوستانم با من بیاید». یک هفته بعد، جوآنا برای بورس تحصیلی ثبت نام نمود و بورس تحصیلی شامل او شد. درحالی که به مردم سیل زده کمک رسانی می کردند، او با چندین نفر از پزشکان ادونتیسست ارتباط برقرار نمود که تعهد نمودند تا ۵۰۰ دلار در هر ماه برای شهریه اش بپردازند. او با نوشتن نامه کمک مالی به دوستان